

خصوصیاتی بارز، قدرتهایی نشان می‌دهد که بقیه عاجزند. با این اختلاف که مرد عامی، از ترس ناشناخته به ایمان می‌رسد، عارف از شناخت برترها و قبول عجزها.^۸

شیکاگو

پانویس:

- ۱ - در اندرون من خست، ص ۵.
- ۲ - همان جا، صفحه ۲۰.
- ۳ - Montagu Ashley, *Touching*. 3d ed. New York, Harper & Row, 1986.
- ۴ - در اندرون من خسته، صفحه ۲۱۵ و ۱۹۱.
- ۵ - همان جا، صفحه ۱۹ و ۱۱۴.
- ۶ - همان جا، صفحه ۱۱۵.
- ۷ - Montagu Ashley, *Touching* به نقل از کتاب *Sacred pleasure*. Riane Eisler, Harper, San Francisco, 1995, p: 173.
- ۸ - در اندرون من خست، صفحه ۲۴۲.

هاشم رجب‌زاد

«دانشنامه ایران»

Encyclopaedia Iranica
Edited by Ehsan Yarshater

Center for Iranian Studies
Columbia University, New York

Vol. VII, Fascicle 2 (*Dastur Al-Afazel-Dehgan I*)

زیرنظر: احسان یارشاطر

مرکز ایران‌شناسی، دانشگاه کلمبیا، نیویورک

جلد هفتم، دفتر دوم.

دفتر تازه دانشنامه ایران (دفتر دوم از مجلد هفتم، حاوی شرح عنوانهای «دستورالافاضل» تا «دهقان») ژانویه امسال به نشانی‌ام در این گوشه دور دنیا رسید، و تعطیل سال نو فرنگی-ژاپنی فرصتی داد تا به مرور عنوانهای آن بنشینم، و خواستم تا یاران همدل و همزبان را هم در این گشت و گذار همراه کنم.

«دانشنامه یا دائرةالمعارف ایران» (*Encyclopaedia Iranica*) حاصل طرح عظیمی است برای تدوین فرهنگ جامع ایران‌شناسی به زبان انگلیسی، به منظور کاربرد

جهانی آن، که در مرکز پژوهشهای ایرانی دانشگاه کلمبیا زیر نظر استاد احسان یارشاطر فراهم می‌شود. دانشنامه در این کم و بیش ده سال که از آغاز انتشار آن می‌گذرد جای خود را در کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقی گیتی و نزد اهل دانش و فرهنگ در رشته‌های متنوع ایران‌شناسی به‌خوبی یافته است.

ما ایرانیان اگر بخواهیم مقام شایسته خود را بدان پایه که تاریخ و ادب و هنر و فرهنگ پرورده و بالنده ایران زمین سزاوار می‌دارد بیایم و وزن و وجهه‌ای را که درخور است در چشم جهانیان پیدا کنیم باید که گذشته و تاریخ و میراث معنوی خودمان را خوب بشناسیم و، دور از غرور و تعصب، بدانیم که چه بوده‌ایم و کجا هستیم، چه ارزشهایی را باید پاس داریم و کدام ناسرگیها و کاستیها را باید چاره کنیم. انتشار دانشنامه ایران در راستای چنین تکاپویی است.

با همه بدعهدی روزگار و ویرانگری تاریخ پر فراز و نشیب، آثار بازمانده ادبی و فرهنگیمان با میراث معنوی ملت‌ها و فرهنگهای دیرپا و بالنده همسری دارد، اما برای آن هنوز کتاب دستور جامعی که با معیارهای دنیای امروز پذیرفتنی باشد، در زبان فارسی نداریم، و فرهنگهای عمده لغت فارسی برای زبانهای عالمگیر باخترزمینی پاسخگوی نیازهای دنیای پویا و علم‌گرای امروز نیست. می‌بینیم که فرهنگ انگلیسی - فارسی یا فارسی - انگلیسی معتبر هنوز در اصل همان است که پنجاه سالی پیش مرحوم حیمم فراهم آورد و بیشتر لغت‌نامه‌سازان پسین از آن رونویس کرده‌اند، حال آن که زبان انگلیسی در این چند دهه تحول نمایان پیدا کرده و اصطلاحها و واژه‌های تازه که با پیشرفت علوم و ابداعات شگرف و وسیع در این سالها پیدا شده در تاریخ بی‌سابقه است.

تدوین و انتشار «دانشنامه ایران» تلاشی است که جای خالی نمایانی را در عرصه فرهنگ ایران پر کرده و با همه کسر و کمبودهای ناگزیر که در کاری چنین عظیم و دشوار متصور است، به‌شناختن و شناساندن ایران و تمدن ایرانی و میراث معنوی آن همت نهاده و ایران‌شناسی را در تراز تلاشهای مشابه دیگر فرهنگهای زنده و پویای عالم درآورده است. اکنون ایران دارای دانشنامه‌ای از خود می‌شود که به‌همت یکی از استادان دانشمند ایرانی تأسیس یافته و علی‌رغم مشکلات گوناگون به‌قلم جمع‌کنی از ایران‌شناسان و ایرانیان دانشمند فراهم می‌شود. آنهایی که با کار پژوهش کم و بیش آشنایی دارند خوب می‌دانند که داشتن و یافتن منابع خوب و معتبر و سودمند در این رهگذر چه اندازه بایسته و کارساز است، و تلاش و همت شمار بسیار محققان و صاحبان تخصص را در فراهم آوردن مطالب دانشنامه ارج می‌شناسند.

در میان نویسندگان مطالب دانشنامه نام بسیاری از دانشمندان و برجستگان پژوهنده از چهار گوشه عالم را می‌بینیم، که هر یک در کار و رشته خود یگانه و به تحقیق صاحب نظرند. مطالب هر عنوان در دانشنامه در جای خود مقاله مستقلی است دقیق و مستند و فراگیر در عین ایجاز، که بهترین مرجع معتبر در موضوع می‌تواند بود. اهل تحقیق خوب می‌دانند که گردآوردن مطالب درست و دقیق و سنجیده که بار و ارزش علمی برای مقاله‌ای شایسته درج در دانشنامه‌ای معتبر داشته باشد چه کار ظریف و حساسی است؛ کاری که جز دانش و تجربه و شوق و هنر تحقیق به‌مارست و بسا که صرف وقت و تحمل رنج فراوان نیاز دارد.

در همین چند سال انگشت‌شمار که «دانشنامه ایران» در دسترس است، خود و دوستان پژوهنده و دانشجویان ژاپنی بارها از آن سود جسته‌ایم. چندی پیش که دانشجویی رساله پایان تحصیلش را درباره بازار در ایران می‌نوشت مأخذی پربارتر و آگاهانه‌تر از مقاله محققانه «بازار» در «دانشنامه ایران» برای معرفی و مراجعه نمی‌شد یافت. از امتیاز مقاله‌های دانشنامه این است که همراه با معرفی موجز و جامع و شرح به‌اندازه، منابع و مأخذ اصلی را برای مراجعه و تحقیق و تتبع وسیعتر برای هر عنوان به‌دست می‌دهد.

با هم نگاهی به اوراق این دفتر بیندازیم:
زیر عنوان نخل خرما (Date Palm) پس از یادآوری اهمیت این درخت و ذکر آن که از آن در منابع قدیم آمده، از تولید امروزه و کشت آن سخن رفته است. می‌خوانیم که نامهای نخل در جاهای گوناگون ایران چیست: نخل بلند کهنه را در تنگستان «نخیل» می‌گویند (یادآور این مصراع معروف که صورت مثل سایر یافته است: دست ما کوتاه و خرما بر نخیل). جوانه نخلی که خود از ریشه و کنده مانده در زمین برآید «خودرست» (خودرسته) گفته می‌شود (در فین) و در تنگستان «مَروس» یا «هَروس» (Marvas/Harvas)، یشه یا خرماستان را بیشتر نخلستان، باغ، شهر (در پساگرد)، مُستان یا نخیلات می‌گویند. نیز درباره شاخ و برگ نخل، گل و میوه‌اش، انواع آن (حدود ۴۰۰ گونه) و مصرف داخلی و تجاری خرما شرحی جالب و گیرا آمده است. سخنی هم از تولید و کاربردهای شیره و عصارة خرما هست، و سپس مبحثی درباره نخل خرما در ادبیات و فولکلور.
در تعریف تاریخ و تاریخ‌گذاری (Dates and Dating) در نوشته‌های ایرانی قدیم

و میانه، به گواهی سندهای تاریخ‌دار که به‌روزگار ما رسیده وضع تاریخ‌گذاری به‌ترتیب در نوشته‌های ادبی مانوی و نوشته‌های سغدی و ختنی بررسی شده است.

در زمینه فرهنگ و عقاید عامه در این دفتر می‌خوانیم که دوالپا [ی] یا غول بیابانی، که دارای پاهای باریک و درازی مانند دوال است، چگونه مردم بیچاره را در بیابان و بیراهه می‌دزد و به بیگاری می‌کشد و بردوش و پشت آنها سواری می‌گیرد. نام و وصف دوالپا نخست در شاهنامه فردوسی و سپس در کتابهایی مانند عجایب المخلوقات آمده است.

از زبانها و لهجه‌های ایرانی، در این دفتر با لهجه دوانی که در دهی به همین نام هنوز زنده است آشنا می‌شویم.

اساطیر ایران هم در این دفتر جای خود را دارد. از داستان دوازده رخ می‌خوانیم که بخشی از شاهنامه فردوسی را با حدود ۲۵۰۰ بیت ساخته است در شرح جنگ مرزی میان تورانیان به سرکردگی پیران و ایرانیان به سرداری گودرز. نیز، می‌دانیم که «دی»، از صفات اهوره‌مزدا و به معنی آفریننده، چگونه نام ماه دهم ایرانی شد.

مقاله‌ای عالمانه و ارزنده درباره مرگ در آیین زرتشتی زیر عنوان Death نوشته مری بویس (Mary Boyce) آمده است، و ای کاش که درباره مرگ و مفهوم و تعبیر آن در آیینهای دیگر هم که به مبحث تدفین و ترحیم (Funerary rites) ارجاع شده است در همین جا شرحی مقایسه‌ای می‌بود.

در زمینه قوم‌شناسی، نام و وصف «دولت قل» و «دولت زی»، دو ایل از پشتونهای شرقی در افغانستان، «دوتانی»، قبیله‌ای ایرانی که هنوز هم بیشتر صحرائشین‌اند، و «دهبکری» از قبایل کردستان را در این دفتر می‌یابیم.

دانشنامه اطلاعات تاریخی و کمیاب نیز به دست می‌دهد که یافتن آن برای خواننده عادی هم دلنشین است. در این جا می‌خوانیم که «داته» در زبان ایرانی قدیم به معنی حقوق و قانون بوده، و رئیس دستگاه قضایی هخامنشیان «داته بره» نام داشته است؛ داتیس ایرانی متخصص امور یونان در دستگاه داریوش اول بوده است. و دو مجله به نام دعوت اسلام، یکی دو هفته یکبار و یکی ماهانه، منتشر می‌شده است.

از کتابها و آثار ادبی و تاریخی در این دفتر با دستور دبیری، دستور الکاتب فی تعیین المراتب و دایرة المعارف فارسی آشنا می‌شویم. شرح تدوین دایرة المعارف فارسی که حق مطلب را درباره دقت نظر و کار جدی و عالمانه و دلسوزانه مرحوم غلامحسین مصاحب و دست‌اندرکاران تهیه این دانشنامه ارزنده فارسی به جا آورده، مفید و آگاه

کننده است. چهره‌های علم و ادب و عرفان و سیاست هم جای خود را دارند، مانند جلال‌الدین محمد بن اسعد کازرونی معروف به علامه دوانی، علی اکبر داور، عبدالله دوامی (موسیقیدان)، دولت آبادیها (سید علی محمد، صدیقه، و سید یحیی به تفصیل)، محمدعلی میرزا دولتشاه فرزند ارشد فتحعلیشاه، دولتشاه سمرقندی، محمد داودخان، نجم‌الدین دایه، دایم بن ابراهیم کردی حاکم آذربایجان در سده چهارم هجری، دهستانی وزیر سلجوقیان و نیز حسین بن اسعد دهستانی مترجم الفرج بعد الشدة از عربی به فارسی، و زنده یاد علی اکبر دهخدا (به تفصیل شایسته و در بیش از سه صفحه).

از غیر ایرانیان که کار و آثار آنها با ایران پیوسته است درباره Andre Daulier Deslandes (۱۶۲۱-۱۷۱۵) فرانسوی می‌خوانیم که همراه تاورنیه به ایران آمد و کتابی کوچک اما با ارزش درباره ایران نوشت، و آگاه می‌شویم که نوشته‌های پراکنده او اکنون در موزه ملی پاریس نگهداری می‌شود که در آن میان دستنوشته‌ای در شرح سفر و حضر پرماجرایی بازرگان امریکایی به نام Philippe de Zagly (گلبنگیان) هست. نیز از احوال DeBruin نقاش هلندی که در کتاب هم درباره ایران و شرق نوشته است، و زندگی DeGoeje شرق‌شناس هلندی و Jacques de Morgan باستان‌شناس و مورخ فرانسوی، دده عمر روشنی و دده یوسف سینه‌چاک صوفیان ترک، ددمری مورخ و صوفی و شاعر کشمیر، شاه ولی‌الله دهلوی متفکر برجسته مسلمان هند و Defremery دانشمند اسلام‌شناس فرانسوی آگاه می‌شویم.

این دفتر دانشنامه شرحی هم درباره مکانهای تاریخی دارد، از آن میان ذات‌السلاسل در جنوب عراق که در آنجا سپاه ۱۸۰۰۰ نفری خالد بن ولید نیروی ایران به سرداری هرمز مرزدار ساسانی را شکست داد. پنج صفحه و نیم این دفتر نیز در معرفی دکن، جلگه مرکزی جنوب هند است با شرح تاریخ سیاسی و ادبی، معماری و هنر آن. شرحی هم از دیرالماقول، شهری از دوره میانه در عراق در مسیر دجله، ۱۵ فرسنگی بغداد، می‌یابیم. از آبادیهایی در افغانستان که دولت آباد نام گرفته است، دَورق شهری نزدیک اهواز امروز، ده بید شهرستان آباءه، جایی به نام دهستان در گرگان و شهری به این نام در بادغیس و شهر دیگری در کرمان (به روایت یاقوت در بلدان) معرفی به اندازه شده است.

دانشنامه به مکانهایی که اهمیت باستان‌شناسی دارد با تفصیل بیشتر پرداخته، که نمونه آن معرفی دیرقسین، کاروانسرای ساسانی سر راه ری به قم، ده موراسی نزدیک قندهار، ده نو در جنوب بیستون و دهلران ایلام و جلگه آن است. مقاله قاضلانهای هم به قلم Jacques Duchesene-Guillemain درباره «طومارهای بحر میت» در این دفتر

درج است.

شرح طرحهای تزینی بناها و آثار هنری و اشیاء، وزیب و نقشهای کتاب آرایبی مانند تذهیب و تشعیر زیر عنوان Decoration و به ترتیب دوره‌های تاریخی پیدایی و رواج آن حدود ۷/۵ صفحه این دفتر را گرفته است. با توجه به اهمیت و وسعت و تنوع این رشته از هنرهای زیبا اگر شرح گسترده و دقیق‌تر هم می‌آمد جا داشت.

زیر عنوان Decorations شرحی خواندنی، حدود ۵ صفحه، از نشانها و مدالها در دوره‌های قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی آمده است. این از موضوعهایی است که اطلاعات جامع و یکدست درباره آن در منابع دیگر نمی‌توان یافت.

درباره دوات (مرکب‌دان، از ابزار نویسندگی) و ساخت ظریف و طرحهای هنرمندانه آن مقاله‌ای دلنشین به قلم Linda Komaroff در این دفتر می‌بایم، و می‌خوانیم که این وسیله در ایران اسلامی چه تاریخ بلندی دارد و، به گواهی شعر فارسی و متون تاریخی، داشتن آن چگونه نشانه حکومت و وزارت بوده است و بازگرفته شدن آن به منزله حکم عزل. این رسم احتمالاً از ایران ساسانی برجا مانده بود. ادیب صایر ترمذی شاعر خراسانی سده پنجم هجری می‌گوید: «دوات... آلت دولت است»، که دولت در این جا هم اقبال و هم حکومت معنی می‌دهد. نما و طرح و عبارات نقش شده بر شماری از دواتهای بازمانده از سده‌های ششم و هفتم هجری می‌رساند که این ابزار شاید همان «دوات دولت» بوده است. درباره دواتدار هم که از منصب‌داران دستگاههای حکومت ایرانی و اسلامی در قرون میانه بود شرحی خواندنی آمده است.

زیر عنوان «دور» دو مبحث در این دفتر مطرح شده است: یکی دور به معنای عصر و عهد تاریخی، که در این جا عنده به ادوار تاریخ (هفت دوره، از زمان آدم تا ظهور و دعوت قائم) در نظر اسماعیلیان پرداخته شده، هرچند که در آینه‌های دیگر مانند زرتشتی — هم عقیده به دوره‌های تحول در عالم هست. دیگر، شرحی مفصل آمده است از ادوار موسیقی به قلم Jean During.

شرح «داد»، از فارسی میانه «داتگ»، در مقاله فاضلانه و پر بار Rudiger Schmitt، و نیز لفظی نزدیک به آن با همان معنی در زبان ارمنی هم در این دفتر خواندنی است.

در سخن از دیر، که صومعه مسیحی و اقامتگاه راهبان معنی شده، از تاریخ وجود صومعه‌ها در ایران قدیم یاد، و به کاربرد کنایی دیر در آثار عرفانی اشاره شده است. دیر در سخن شاعران فارسی‌گوی و نیز خاصه صوفیان کنایه است از جهان گذران و نیز

منزلگاه ایمن از زاهدنمایان و محتسبان. اصطلاح «دیر مغان» در شعر حافظ هشت بار آمده است، و نیز شاعر شیراز از دیر کهن، دیر رندسوز، دیر راهب، دیر مکافات، دیر شش جهت، دیر خراب و دیر خراب آباد می گوید (صدیقیان، فرهنگ واژه‌نمای حافظ، ۱۳۶۶، زیر عنوان «دیر»).

«ده در ایران و افغانستان» عنوان مقاله ماقبل آخر این دفتر است در چند صفحه، نوشته Daniel Balland و Marcel Bazin. با اهمیتی که این بنیاد اجتماعی-اقتصادی دارد، و کمتر هم به صورت علمی شناسانده شده است، معرفی دقیق‌تر و مشروح‌تر هم جا داشت.

ده در این مقاله در چهارگونه اصلی آورده شده است: "clustered settlement"؛ "fortified settlement"؛ "loose settlement"؛ و سرانجام "hamlets of the Caspian lowlands".

در سخن از مالکیت ده آمده است که ده به شش دانگ تقسیم می‌شد و هر دانگ به شانزده شعر (بر روی هم، ۱۶ شعر). اما شعر اصطلاح عام برای تقسیم ملک روستایی در همه‌جای ایران نیست. فرهنگ معین در تعریف این لفظ آن را «۸ خردل یا یک‌شانزدهم دانگ» و رایج در کردستان شناخته است. در اسناد متعدد از املاک دهات فروزین در دوره قاجار که در دسترس این نگارنده است، پس از دانگ اکثر جزء «رجل» و گاهی «فرد» آمده و پیداست که ده به نود و شش رجل (هر دانگ ۱۶ «رجل») تقسیم می‌شده است. از متعلقات و ملحقات ده مانند خرمنگاه و یونجه‌زار، علفزار و طاحونه یا آسیا و قبرستان، که دهات معتبر بیشتر اینها را داشته، کمتر یاد شده است. تعریف خرده‌مالکی و بنیادهای محلی ده نیز می‌توانست دقیق‌تر و رساتر باشد، خاصه که منابع مستقل در این موضوع کمتر در دست است.

حسن ختام این دفتر دانشنامه بخشی‌ست از مقاله فاضلانه دکتر احمد تفضلی در شرح «دهقان» در بیان معنی و کاربرد آن در دوره ساسانی و در ایران اسلامی در دو مبحث جداگانه.

توفیق فراهم آوردن گان «دانشنامه ایران» را با مدد از سخن آسمانی خواجه شیراز آرزو دارم.

حافظ سخن بگویی که بر صفحه جهان این نقش ماند از قلمت یادگار عمر
دانشگاه مطالعات خارجی، اروا کا - ژان